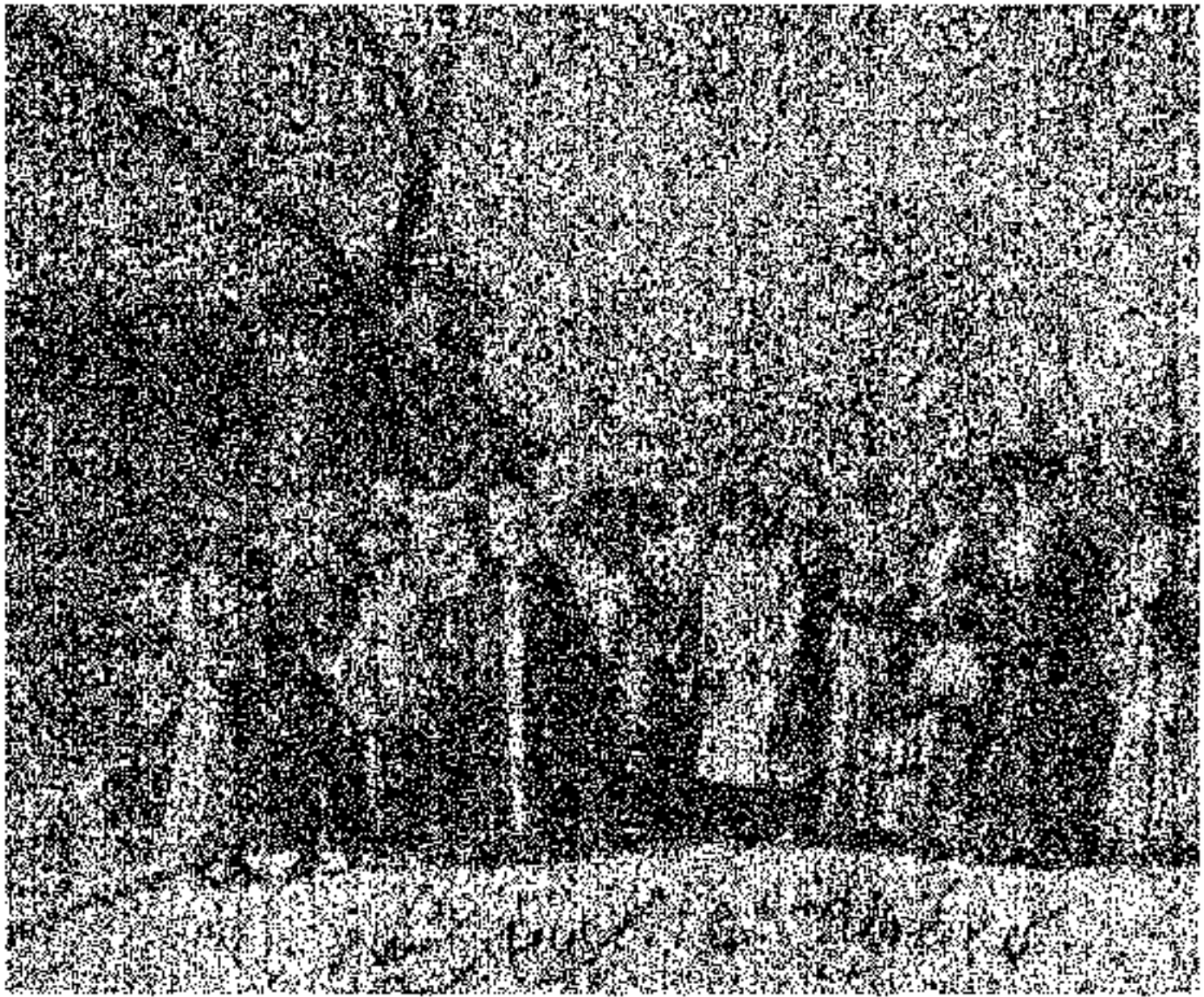


این بود سلطنت میکا و همچنین است حال جمیع ملوک لکن چون تو مومن باشی سلطنتی دار  
 که بهم نینجورد والی الابد برقرار است شکر کن خدا را که چنین سلطنتی را بتو عنایت فرمود که  
 عظم از سلطنت میکا دوست بنا پارت اول شخص شهیر و جنرال عظیم بود اغلب ممالک اروپا  
 را فتح نمود امپراطور فرانس شد بر جمیع اروپا حکم کرد عاقبت چیز جزئی سلطنتش را مخوف نمود  
 و در نهایت ذلت آید شد و در جزیره سنت لمانا که کرد تا عمرش باخر رسید ستاره  
 سعادتش چنان غروب نمود که اورا طلوعی در پی نه روزی با جزالهایش صحت میباش  
 گفته مسیح هم مثل ناپلیون شخصی بود عاقل خود او در جواب گفت چنین نیست شاخصا کرده آید  
 در میان خیلی فرق است باری ناپلیون بجز مردش سلطنتش تمام شد لکن سلطنت مسیح ابدی است  
 او بشیر و خونریزی تاسیس سلطنت فانی نمود اما مسیح بنفحات حیات بخش روح القدس  
 تاسیس سلطنت الهی نمود ناپلیون بقوه جبریه تاسیس نمود مسیح بقوه محبت الهیه  
 لهذا سلطنت صد هزار مثل ناپلیون محو میشود اما سلطنت مسیح باقیست چنین است سلطنت  
 الهیه ابدی روز دوم شوال (۳۱ سپتمبر) زودتر از همه مسس تروچای حاضر کرد  
 عرض شد چای بهتر از این است هتیمی کنیم سر مودند این خیلی خوب است زیرا در نهایت  
 محبت این چای را ترتیب داده بعد بیاناتی از قبض و بسط در مصاریف و دستن موقع  
 خرج فرمودند که من وقتی دلو هزار دولا موجود باشد میبخشم اما وقت دیگر یک دولا  
 هم صرف نمیکنم اینها محض نظم و ترتیب امور است که من میگویم میخواهم اجبار و ظل عنایت  
 جمال الهی ربانی شوند رحمانی گردند زیرا بواسطه تعالیم و عنایات جمال مبارک هر فوز و فلاحی



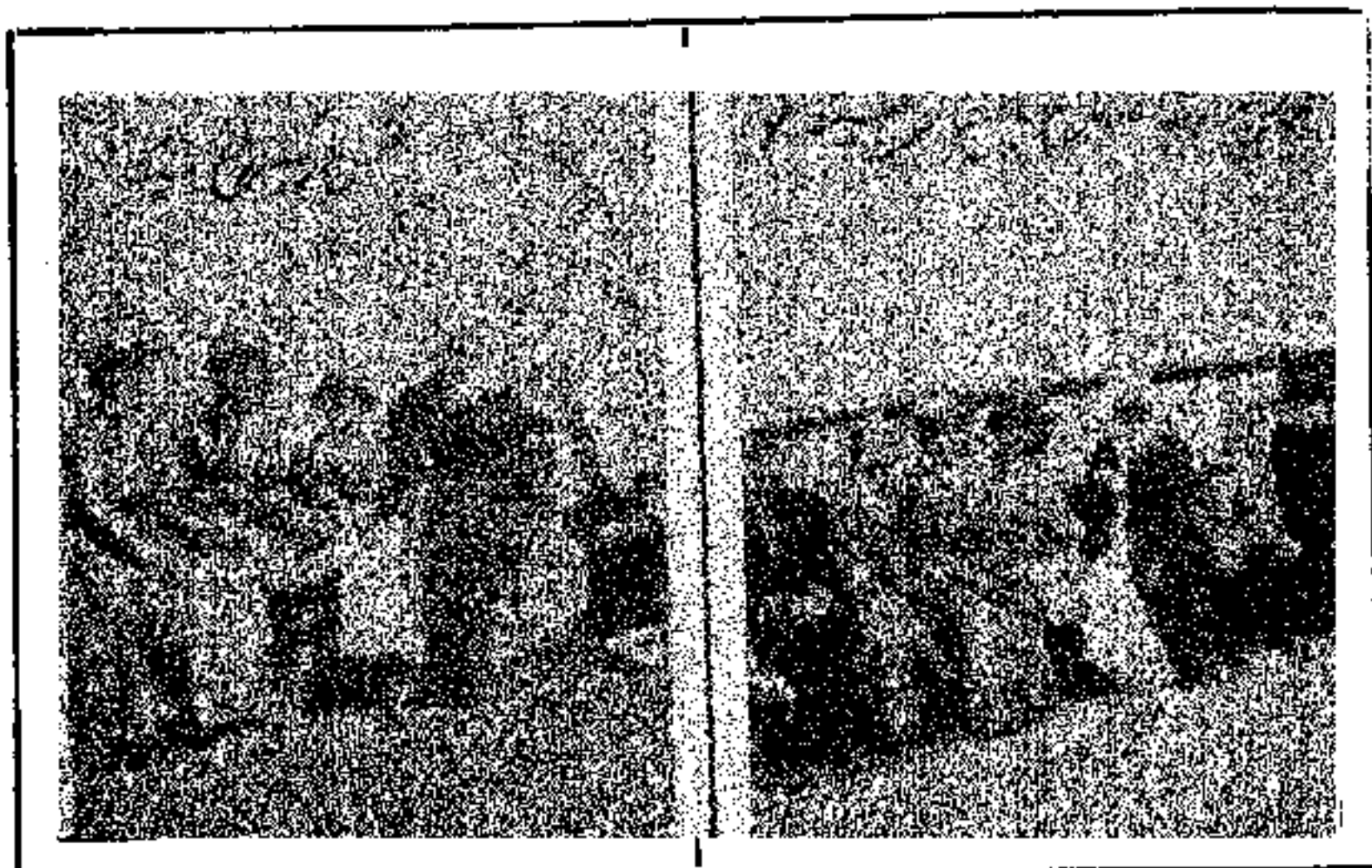
Abdul Baha in Lincoln Park of Chicago.



حاصل میشود اگر تأییدات و عنایات او نبود و الله الذی لا اله الا هو که چون ما از ساحل شرق آمریکا داخل و از غرب خارج میشدیم بما ابد کسی اعتنائی نمود اینها همه تأییدات جمال مبارکت که این ابواب را مفتوح فرمود و بقوه ایمان صعود و معارج عالیه حاصل می کنیم و در ملکوت ابھی عزیز می شویم و این نفوس حلیله باین صداقت و محبت با خدمت می کنند انهی بعد از آن اجاب و اختیار بنای تشرف گذاردند بجای طرف استدعای مسافرت مبارک ببلات خود می نمودند ولی نظر بقلبت وقت و غربت بفریب آمریکا قبول مسافرت بجهات آخری نمی فرمودند روزنامه نویسهامشرف و مقالات عدیده در مسائل امریه از لسان مبارک اصفا و تحریری نمودند اما در مجمع نطق مبارک در تاسیس مذیت روحانیه بقوه حضرت بهار الله و حجاج عالم بتعالیم الهیه بود که بدون مذیت الهیه اسرار ملکوت ظاهر نگردد فیوضات روحانیه تحقق نیجوید حکمت و قوه ماورا لطبیعه جلوه نماید عقول بشریه بلوغ نیابد عالم انسانی آینه عالم بالا نگردد و قوه روحانی بر قوه حیوانی غلبه نکند جمیع این کمالات بهذیت الهیه حصول یابد و عالم انسانی بان محتاج! بعد از جمله دوستانیکه بشرف حضور مشرف شد مستر جکین از شهر کنوشه بود و مشتیاق اجاب و بتدیها و وعده نطق مبارک در یکی از کنائس انجمن ابرض میرسانید بر روز صبح چون اجازه تشرف عمومی بود انقدر جمعیت میشد که حتی در پله راه عبور نبود و هر وقت حالت خستگی روی می داد بیرون قدری شمشیر فرمود مراجعت می کردند از روز صبح جمعی دیگر با بعضی جنای سیاه در ساعت نوزده مشرف بودند و از جمله بیانات مبارکه اینکه اگر انسانی صورت

و مثال رحمانی داشته باشد سیاه یا سفید نزد خدا مقرب است بعضی بمن اعتراض نموده اند  
 که چرا الفت میان سفید و سیاه می‌خواهی با آنکه این اعتراض چه قدر خطاست آن نفوس  
 سوامی بنسبید که چه قدر گت خود را دوست میدارند چرا بجهت وفای او که محافظه صاحبش  
 نماید پس اگر صفت نیک گت را عزیز می‌کنند چرا انسان را عزیز نکنند چرا  
 با انسان نیک سیرت الفت جائز نباشد در حالتیکه با حیوان شب و روز  
 هم آغوشند چرا با انسان با همش معاشرت نمایند امیدوارم شما از تقایید  
 پاک و آزاد باشید فکر و عقلمندان وسیع و عالی باشد حقیقت جو باشید بندگان  
 خدایا دوست بدارید و سبب وحدت عالم انسانی شوید انتهی ان روز یکی از شما میر  
 فلاسفه باریس رنجبران و اشتر اکتیون از بیانات مبارکه در اثبات الوهیت بیان  
 قوانین الهیه اظهار خضوع قلبی و خلوص صمیمی در ساحت اطهری نمودند چنانکه از تشرف و خضوع  
 آنها قلوب دوستان بی نهایت مسرور بود شب در دستها و طاق بزرگ طبقه  
 اول منزل مس تر و جمعیت انقدر آمدند که غلب نفوس حتی در راه عبور ایستاده بودند  
 و بیکل انور در آن جمع مشی می‌نمودند و از ظهور نصرت جمال ابی و اعلاء امر الله و نفوذ کلمه الله  
 در کنائس و مجامع کبری بیان می‌نمودند و عنوان خطابه مبارکه این بود در جمع تواریخ  
 عالم نذر کنید به بنیید هیچ چنین حکایتی هست که شخصی شرقی در ممالک غرب و انگی امریکا  
 حاضر شود و در جمع کنائس و مجامع ایالات متحده فریاد برآرد در هر شهری از شهرهای  
 بزرگ امریکا ندای الهی را بلند نماید جمع را بملکوت ابی بخواند و ابداً نفسی اعتراض ننماید





These Photographs are taken in Lincoln Park of Chicago.



بلکه حاضرین محافل بنهایت دقت و مسرت استماع بیان او نمایند این نیست گرتبایید  
 ملکوت ابی الی آخر بیانہ الاصلی روز ۳ شوال (۷ اکتبر) از جمله بیانات مبارکه  
 این بود که اگر جمال مبارک قیام و امر الله را بلند نمی فرمودند امر حضرت نقطه اولی بنگلی  
 محو شده بود همین طور بعد از صعود جمال قدم اگر قوه میثاق نبود معلوم میشد که چه  
 می کردند چگونه مانند سحر اوقات را حصر در تعهد و ازواج و ششون نفس و موی نمیدادند  
 و میزان الهی را از کف میگذاشتند " و چون شرحی از حالات خیر الله بی خیر سرمودند  
 ذکر کتاب مبارک اشراقات که بلسان آلمانی ترجمه و طبع شده بحضور انور مذکور آمد  
 فرمودند جمیع امور و اوضاع عالم خادم امر الله است چه خوب بود مرا از ایالات متحده  
 بیرون می کردند یا از اول راه نمیدادند در حالتیکه منع مروج امر الله است دیگر امداد چه  
 خواهد کرد " بعد سرمودند " تاجمیت نیامده قدری بیرون راه برویم تا کنار دریا مشی  
 فرمودند و از جانفشانی امیر لجر جاپانی حکایت می فرمودند که از اینگونه فدائی با کار را  
 از پیش بردند ولی این راهم بد نیست که اگر زنده بود برای دولت و ملت او بهتر بود  
 ملاحظه نمایند یک جزال خود و اولاد خویش را در راه امپراطور فدا نمود باین درجه  
 مشهور بصدق و وفا شد دیگر معلومست که مادر سبیل جمال بھی چه باید بنمائیم نصاف  
 دهید و بد نیست که هزار یک این الطافی را که جمال مبارک در باره ما فرموده مبرر طور  
 جاپان بان امیر لجر بنمونه " در مراجعت بمنزل جمعی از اهل شیکاگو و اطراف روغیا  
 بحضور انور مشرف و استماع تعالیم مسائل الهیه کل خاضع و خاشع و شاکر و حامد گردیدند



تا عصر که مجمع تیا سفیها موعود بودند و از قیام و نطق مبارک در نفوس غلغله فی عظیم  
مشهود اول رئیس انجمن با نهایت تعظیم و ادب در معرفی طلعت پیمان گفت حضرات؟  
امروز بجهت ما این فیض عظیم و افتخار بزرگی است که خود را در محضر شخصی می بینیم که بزرگتر  
پیغمبر صلح و سلام است من بدون شک احساس میکنم و از قبل جمیع می گویم که تا حال  
چنین شرفی نصیب نشده که بیان حیات بخش را از زبان پیغمبر می شنویم لهذا  
با نهایت افتخار و سرور حضرت عبدالبهّا پیغمبر صلح و مزوج اخوت عمومی را معرفی مینمایم  
پس طلعت عهد قیام فرمودند در مهتیا زمین حقایق ملکوتیه و نفوس حیوانیه و ظهور کمال  
انسانی و صورت و مثال الهی و توضیح تعالیم ظهور بدیع لسان فصیح بگشود چنانکه از دست  
زدن و شور و هیله جمعیت تالار لرزله درآمد بعد از خطاب مبارک که رئیس انجمن با زبانه  
اظهار شکر از تعالیم و بیانات مبارک نمود و شهادت بر عظمت و حقیقت حضرت عبدالبهّا  
داد و اهل مجلس هم بجهت اقرار و تصدیق قول رئیس همه دفعه برخاستند و در محفل  
شور و نوای انداختند که آن انقلاب بنیت مجلس عظیم دلیل بر قوه خارق العاده طلعت  
پیمان یزدان بود لهذا جمال بی مثال دوباره قائم و باین عبارات ناطق گردیدند: «من  
بی نهایت از این حساسات و انسانیت شامس ورم هم خستدار که در امریکا چنین مجامعی  
هست که مبنی بر انسانیت و قدر دانی و تخری حقیقت است من از این انجمن بسیار تشکر  
و ممنونم و امید دارم حساسات و حسد انیمه بیشتر احاطه کنند و فیوضات الهیه  
شامل تر گردد الی آخر بیانیه الاصلی چون با و طاق دیگر تشریف بردند نفوس هجوم

آورده غلب می گفتند می خواهیم مشرف شده اقرار بحقیقت این امر مبارک نمایم ایداً  
 بتصور نمایم که باین درجه انقلاب در مجموع عظیمی فستد و در چنین ملکیتی همچو قیامتی  
 برپا شود روز ۱۵ شوال (۱۵ سپتمبر) صبح شرح حالات خیر الله را بجهت رفیق  
 او دکتورنات می فرمودند پیمانه‌ای که رعب و سطوت صوت و کلمات مبارکه  
 سامع و مترجم را بارتعاش انداخته بود آخر فرمودند او میخواهد من در عقبش بنشینم  
 و او را بخوابم و حال آنکه من مسافر و وارد هستم اعالی و ادانی از انالی این مملکت  
 بدین من میانند اگر مقصد خیر دارد او هم باید با نهایت صدق بیاید الی آخر  
 بعد از صحبت وجود مبارک خیلی خسته بودند و به تشریف بردن بکنوشه موعود دکتورنات  
 مذکور هم با ملازمان حضو و یکی از اجبای جاپانی مأذون و ملزم رکاب تقدس بود  
 بعد از دو محطه ترن تبدیل شد و با عجله دوستان ترن دیگر نرسیدند چنان  
 خیلی متأثر شدند فرمودند بیخ عیب ندارد در این حکمتی است و چون بعد با قطار دیگر  
 حرکت فرمودند بین راه بان قطار اول رسیده دیدیم کسسته افتاده و بعضی از  
 مسافرن آن هم مجروح شده اند معلوم شد تصادم واقع شده «فرمودند این هم  
 حفظ و حمایت جمال مبارک بود» و حکایت عزیمت مبارک از اسکندریه بامریکا  
 فرمودند که بعضی همچو صلاح دانستند که ما از راه لندن با کشتی تیتانیک که در همان  
 سفر غرق شد بیاییم ولی جمال مبارک چنین دلالت نمود که بگیر آیدیم «خلاصه محض  
 ورود مبارک بعض اجناد محطه بانو میل حاضر و چون بتالار بزرگ مشرف الاذکار نزول جلال فرمودند

در اینجا بزم حبشنی الهی بود و نفوس مانند ملائکه آسمانی با نهایت تأثیر در تسبیح و تقدیس  
 نخست در صحنه خطابه جلوس نموده در قوه غالبه و نفوذ امر جمال قدم و اسم اعظم نطقی مختصر  
 و موثر فرمودند نگاه سر میز شریف بردند و آن میز بطول تالار گذاشته و با انواع گلها  
 مزین بود چون شروع بنا نمودند جوانهای اجابا اجازه خواسته با نغمه و پیانو  
 بنحوت آن روی نیکو پرداختند تا آنکه بازسان مطهر ناطق و شری از بلایای طلعت  
 قدم و ایام سخن اعظم و انقلاب و تبدیل امور بقیام جمهور نشر نمودند که خدا جمیع موانع را برداشته  
 و همه اسباب را قیاساً ساخت تا عبداً الهیاً با اینجا رسید و ملاقات شامسرور گردید  
 بعد احتیاطاً یک یک اطفال خود را بحضور مبارک آورده تبرک میساختند هر یک را  
 در آغوش عنایت می گرفتند و گل و میوه و شیرینی عنایت می فرمودند و تبرک عرض نمود  
 وقت در اینجا ضیافت عمومی اجابا بود همیشه در دو طرف این میز دو کرسی یکی را با اسم حضرت  
 بهاء الله و یکی را بیاد طلعت عبدالبهاء خالی میگذاردیم دائماً آرزوی چنین روزی می نمودیم  
 حال چگونه شکر نمایم که بنتها آرزوی خود رسیدیم و دیدیم بار ابلقهای انور منور یافتیم  
 شخصی دیگر عرض نمود که چون شیشها از شریف فرمائی مبارک مسبوق بودند در جمیع کناس  
 ذکر مبارک را نمودند که مشب پیغمبر شرق در کلیسای کانگریشن کتوشه خطابه دادند و خواستند فرمود  
 بعد از آن از مشرق الاذکار بمنزل کس گوید شریف بردند تا عصر در اینجا جمع اجابا متیا و لها  
 از اصفا و نداء اعلی آشفته و شیدا بود از جمله بیانات مبارکه اینک امر الله همیشه از شرق  
 ظاهر شده اما آثارش در غرب شدیدتر بوده وقتی بدری پاشا در جمعی گفت که حضرات؟

هر چه ما داشتیم اهل غرب از ما گرفتند علوم و صنایع و قوانین جمیع را از مشرق بردند حال  
 میرسیم امر حضرت بهائیه را هم از ما بگیرند این قول اوست ولی حضرت بهاء الله نه شرقی است  
 نه غربی نه جنوبی نه شمالی مقدس از جهات است آسمانی است در بانی الی آخر بیانه اعلی  
 تا شب در کلیسای کانگرسن خطاب مبارکه در خصوص وحدت مظاہر حسدیه و اختلاف  
 اعم بواسطه تعالید باطله و بسط تعالیم و مسائل الهیه بود که بصیرت و حیاتی جدید نفوس بخشید  
 و بعد از نطق مبارک از قبیل نفوس در محضر انور با ظہار خلوص و خضوع موفق

روزه شوال (۱۷ ستمبر) صبح وقتی بسکله الطہر عازم شیکاگو بودند و اجابہ ابوشش ناظر  
 آن روی منور می فرمودند "ببینید قوت و نفوذ امر بهاء الله چه کرده جا پانی کجا امریکا  
 کجا و ایرانی کجا چگونه جمیع را در ظل کلمه وحده محبت یکدیگر نموده و در راه شرفی از جان نثاری  
 و استقامت اجبای شرق می فرمودند و چون بشیکاگو تشریف فرما شدند تا شب پی  
 در پی عبور و تشریف نفوس بود بعضی از اجبا و جوہی تقدیم نمودند ولی هر قدر رجا کردند  
 مقبول نیفتاد و امر بانفاق بفرمان نمودند بعضی از روزنامه نویسا مقالاتی در سبب آمدن درج  
 و نشر نمودند که بسیار مورد لطاف مبارکه گردیدند این روز عصر در مجمع استماع نعتی را از اشعار  
 مس و بیت که نام شہناز خانم با و عنایت شده بود جمعی از دوستان حاضر کرده بودند جن  
 نزول قدم مبارک از طبقه بالا بخل اجبا با نغمه و پیانو چنان خواندند و عبور موشی طلعت مجبور  
 در میان دوستان چنان بود که همه بحالت رقت آمدند و صبر و قرار از دست دادند و آله  
 شوق و گریه اشتیاق نمودند در آن میان کشتی پیش آمد و رجا نموده گفت که پیغمبر خدا

عبدالبها در باره من دعا بفرماید خیلی مورد عنایت شد اما نطق مبارک در مرتبه  
 یگانگی و محبت بیشتر اش بجا نیاورد و شور در دلها افکند بعد از آن محفل بمس ترو  
 فرمودند که نظر بخوابش و اصرار شما باین خانه آیدیم ولی حال دیگر باید به هتل برویم  
 و آن شب در نصیاح و تشویق اجاباد نشانهات الله و اعلاء کلمه الله و اظهار عنایت  
 باولیا نطقی طبع و بیانی فصیح فرمودند و بعد از مجلس هم اکثر نفوس بشرف مخصوص  
 فائز و مفتخر چون شام میل نمودند امر بمرکت و نقل به هتل فرمودند در بین راه در اتوبیل  
 اظهار تأثر شدید فرمودند که این صدمات سفر و حضر را برای این تحمل می‌کنیم  
 که بلکه امر الله از بعضی رخنه‌ها محفوظ ماند زیرا هنوز من مطمئن از بعد خود نیستم  
 اگر مطمئن بودم در گوشه راحتی می‌شدم ابد از ارض مقدسه و جوار روضه مبارکه  
 بیرون نمی‌آمدم بیکه فواید بعد از شهادت حضرت اعلی در حکایت سحی و چار لطمه شدید  
 مرتبه دیگر پس از صعود جمال مبارک صدمه عظیم دیدم مگر باز نفوس خود خواه اخلال  
 و الفت و اتحاد اجانمانند اگر وقت مقتضی بود و تا کسیس بیت عدل میشد بیت عدل  
 محافظه می نمود اتمی (بعد شرمی مفصل از بدایت اختلاف در کور اسلام فرمودند که)  
 بواسطه نفوسی که ترویج اغراض شخصیه می نمودند و خود را خیر خواه دین می‌شمارند بکلی اساس  
 اسلام پایمال شد. بیانات مبارکه از این قبیل بود ولی نهایت محزن و مؤثر تا به هتل رسیدند  
 روز ع شوال (۷ اکتبر) با اجاباد دوستان وداع می فرمودند و وعده هجرت  
 از کلیفورنیا بشیکاغومی دادند و بعضی از بیانات مبارکه با جبارین بود که از معانیات جمال

مبارک شمارا آید و توفیق میطلبم در برجا و محل باشم همیشه بیاد شما هستم هیچکس را  
 فراموش ننمایم و از خدا میخواهم که روز بروز روشن تر شوید منقطع تر گردید و در  
 ترشوید شتعل تر گردید خاضع و خاشع باشید زیرا انسان تا خود را نیک نمیداند  
 بلکه خویش را عاجز می بیند و قاصر میداند و بر ترقی و علو است ولی بعضی نیک که خود را  
 خوب دانست و گفت من کامل هستم غرور و دنو حاصل نماید چون جمع دیگر مشرف شدند  
 در مسائل اشتراکیون بیاناتی می فرمودند که اعظم از اساس اشتراکیون در ادیان الهی  
 موجود مثلاً در حکم الهی و یوثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة است میفرماید که از خصائص  
 و مایحتاج اموال خود انفاق نمایند و دیگران را بر خود ترجیح دهند ولی برضایت نهایت  
 روحانیت اما اشتراکیون میخواهند اشتراک و مساوات بزور جاری نمایند با آنکه  
 مساوات که حکم الله است مشکلتر است چه که صاحب نعمت باید دیگران را مقدم بر خود داند  
 این جاری میشود و سبب آسایش خلق و موید نظم عالم است زیرا موقوف بر رغبت و رضایت  
 منفق است ولی اشتراک و مساوات با آنکه سهلتر است و صاحب نعمت با دیگران مساویست  
 نه مؤخر این جاری نمی شود و باعث فتنه و آشوب است زیرا منوط بعفت و جبر است ولی  
 در الواج حضرت بهاء الله است که اگر صاحب ثروتی در تربیت اولادش کوتاهی نماید  
 محفل عدل باید او را مجبور بر اعانت و تربیت کند ولی این راجع بخاندان ان غنی و در تحت  
 نظام انجمن عدل است مقصد آن بود که اعظم از مساوات و اشتراک در دین الله موجود است  
 و نفوس در امر الله مانند سلطان الشهدا بودند که در ایام سختی جمیع اموال خود را صرف



فقر و ضعف می نمودند در ایران بدرجه بی نفوس فدائی یکدیگر بودند که یکی از بهائیان بهمان بهائی دیگر بود چون حکومت آن بهمان بهائی را خواست دستگیر نماید همانندار خود را با اسم بهمان تسلیم حکومت نمود و بجای او شهید شد و فدای بهمان و برادر خویش گردید.  
 در صبح روزنامه پوس میفرمودند که «روزنامه باید اول وسیله الفت بین نفوس باشد این عظم و ظالمت صاحبان حسرت است که سوختن تفاهم بین ادیان و اجناس و اوطان را زائل نمایند و وحدت عالم انسانی را ترویج نکنند» امروز جناب قانیر علی اکبر نخبجوانی که اجازه خواسته بودند در مسافرت کلیفورنیا ایشانم ملتزم رکاب مبارک باشند از آمدن آمده با متر فیوجتیا دوست جا پانی بخدمت و ملازمان حضور ملحق شدند ساعتاً مرکب مبارک از شیکاگو حرکت کرد و جمع کثیری از اجبادر ایستگاه راه آهن طائف حول طلعت نور بودند و استدعای برکت و تائید الهی و توفیق بر خدمت امر رحمانی می نمودند امروز با آنکه هوا خشک و ترن بسیار لطیف و بدون غبار بود باز خشکی و ضعف برپیکر اظهارستولی گردید طرف عصر حالت عجیبی مشاهده شد که روی کرسی در حالت سیکه وجود مبارک تکیه داده بودند صدای امین مبارک بگو شهادت رسید چون نزدیکتر شدیم چشمهای چون زگرس شهبلا باز بود و بیاناتی بطرز مناجات با کلمات بسیار خنجرین می فرمودند هر چه نزدیکتر رفتیم لطافت و نگاه می فرمودند مثل حالت خواب بود با آنکه بیدار بودند ولی هر چه خواستیم نفهمیم که چه می فرمایند ممکن نشد در آن بین ترن در محطی ایستاد یکی از خدام جبارت و عرض نمود که میل مبارک هست پائین تشریف برده قدری مثنی بفرمایند

و فتنه از آن حالات منصرف شده فرمودند خیر بیرون نیردیم: آن ایام وجود اظهر خلی محزون  
 و مکر بود و وقتی می فرمودند که ویشب من بیچ نخواستیم امروز کشتی امرالله را طوفانها  
 شدید از بهر جهت احاطه نموده ولی تأییدات جمال قدم با ماست: باری ساعت ۹ شب بود  
 که چند محطه بنیای پولیس مانده چند نفر از اجبا از جمله مستر مال که باستقبال قدم مبارک آمده بودند  
 در ترن مشرف شدند و چون بنیای پولیس نزول اجلال فرمودند جمعی از اجبای دیگر با بعضی  
 از روزنامه نویسیها از مشاهد روی دلربا فیض باقی بردند بعد فرمودند حالا من بسیار  
 خسته ام در خصوص مقالات و سبکها و جواب و سوالات فردا شمار الملاقات خواهم نمود  
 چون به هتل پلزا که در مقابل آن باغ و دریاچه فی بسیار با صفا بود تشریف فرما شدند بعضی  
 از اجبا عرض نمودند از مجامع و کنائس عظیمه این شهر نفوس محترمه از وجود اقدس دعوت  
 نموده اند فرمودند به چه مجال اقامت نیست نهایت دور روزی ما نیم ما میائیم در هر شهر  
 و لوله فی می اندازیم و میردیم همین قدر تخمی میافشانیم مردم را متذکر می کنیم و از بنا عظیم خبر  
 میدیم و حرکت می کنیم علی العجالة کار ما اعلان امرالله است و الحمد لله که تا پنجش روز  
 بروز ظاهراست و تأیید شد شامل روزها شوال ۸۶ (اکتبر) تالار هتل  
 بزم وصل و تقاضا شد اول اجبا با شور و شوق و شعف تمام سامع این خطاب مبارک شدند  
 (هو) الحمد لله خداوند مملکتی آباد بشما داده شهر ما معمور است تجارتها در ترقی و آثار عمران  
 در نهایت جمال و کمال ولی جمیع اینها نسبت بغایات الهیه بیچ است تمام روی زمین  
 بپرتوی از انوار شمس حقیقت مقابلی نمی کند نیست که در انجیل میفرماید شیطان حضرت مسیح

را بالای کوه تفتی بردم و دنیا را با نشان داد و گفت اگر متابعت من نمائی جمع اینها  
 را بومیید هم حضرت قبول فرمودند بعد بجهت جمعی که از مسائل اشتراکیون سوال نمودند شرحی  
 از قسم مطهر صادر و برای روزنامه نویسهها از لزوم مذمت روحانیه و نقضات روح القدس  
 و تعالیم و تاریخ ظهور عظیم مقالاتی اکمل و اتم فرمودند حاخام اسرائیلی مشرف و رجای نطق  
 و خطایه مبارکه در کنیسه اسرائیلیان نمود و از جمله بیانات مبارکه با و در بدایت این بود  
 که من از وطن صلی شها اورشلیم میآیم چهل و پنج سال در فلسطین زندگانی کردم اما محبوس بودم  
 (عرض کرد در این عالم ما همه محبوسیم فرمودند) ولی من در دو حبس بودم عرض کرد یکت حبس  
 کفایت است فرمودند من انوقت هم راضی بودم نهایت سرور و ممنونیت و اتم (عرض  
 نمود همیشه پیغمبران خدا مسجون بوده اند حال هم حضرت عبداللہا برگزیده خدا محبوس شده اند  
 فرمودند) من بنده خدا هستم ولی قاعده مردم چنین است که همیشه خواه انبیا خواهد  
 نفوس مقدسه را اذیت می نمودند اما بعد باسم آنها ساجد میشدند؛ آخر چون حاخام  
 اظهار نهایت اخلاص و انجذاب نمود و اذن خصی خواست او را در بغل گرفته فرمودند  
 من میخواهم جمیع اذیان با هم بر او باشم بعد گیر او دست بدارند با یکدیگر مصافحه  
 و معانقت نمایند و بزرگان یکدیگر را عزت و احترام نمایند؛ از روز قبل از ظهر کلوب تجاری  
 موعود بودند چون از پارکها و خیابانهای شهر عبوری نمودند میفرمودند "امشب از برای  
 یهو در معبد آنها اثبات حقیقت حضرت روح الله خواهیم نمود و این باراده جمال مبارک  
 و یائید اوست مثل اینکه الان جمال ابی در قصر عکات شریف دارند اگر بحضور مبارک شرف

شوم و عرض نمایم میخواهم در کسینده اسرائیلیان صحبت بدارم البته می بینم که میل مبارک اثبات  
حقانیت حضرت مسیح است: تا آنکه کالسه مبارک بکلوب رسید ابتدا چند نفر روزانویس  
سوال از اساس امر مبارک نمودند شش مرتبه جواب از زبان نورصا در که مسائل و  
احکام دین الله برد و قسم است قسمی اساس اصلی احکام روحانیه و اصول سعادت  
بشریه و تحسین خلاق و تحصیل فضائل و کمالات انسانی است و این ابد تغییر و تبدیل ندارد  
قسمی دیگر فروع است و احکام حیاتی است که راجع بمعاملات و مقتضیات عصر و زمان است  
و این با مقتضای وقت تبدیل میشود چون شش مرتبه بسوط در انیسله فرمودند رؤسا و اعضا  
کلوب که همه از اعزه بودند مجتمع شدند و از استماع خطابه مبارک در موازین اربعه حس  
عقل نقل و الهام و قوه غالبه امر ملک علام حالت سرور و خشوع قلبی یافتند و در ساحت  
اطهر خلوص صمیمی اظهار نمودند علی الخصوص بعد از نطق مبارک که هر یک نهایت ممنونیت  
از عنایات مبارک که حاصل نمود و از روزیم اعلانی در اینجا نصب نموده بودند که ترجمه آن  
این بود که تعبداً البها پیغمبر محترم شرق زعیم بهائیان امروز ظهر در اینجا صحبت خواهند نمود  
تا شب در معبد یهود در حقیقت حضرت مسیح و حقیقت امر رسول الله خطابه بی اداسر نمودند  
که حجت قاطع بود و برهان لامع و تأثیر مجیبی در نفوس داشت چنانکه غلب نفوس محترمه  
یهود در حال و نثار آخر مجلس در محضر انور بی نهایت خاضع و شاکر بودند و یکی از آنها  
بر ملا می گفت که من دیگر بعد از این یهودی نیستم روز ۸ شوال (۱۹ سبتمبر) بعرض  
مبارک رسید که تفصیل مجلس دیشب در حساب آمد امروز طبع و نشر شد و فرمودند

با وجود این باز نصاری و مسلمین از مراضی نیستند و حال آنکه آنها در خانه خود سرگرم حبت  
 و عشرتند و مادرانگونه معابد عظیمه در اثبات مظاہر الهیه ناطق و ساعی و همچنین اهل تقنی  
 را ملاحظه کنید چگونه بجز مشغول و در فکر اغراض شخصیة خویشند و من در بلاد امریکاء  
 قبلیغ امر الله چنان مشغول که آنی راحت ندارم انتہی بعد از شرف جمعی از اجاب غیا  
 بنکار خانه شریف برودند نقش و آثار قدیمه بسیار از نظر مبارک گذشت منجمه شیشه  
 کوچکی که در ایام قدیم در بعضی الممالک فینکیان بوده و مردم در عزای عزیزان خود شکهای  
 چشمان را در آن شیشه با اجساد مرده با دفن می کرده اند فرمودند به منید این شیشه  
 در زیر خاک بیش از اجساد آدمیان دوام نموده و بعد سر موند، باز اهل غرب چون ثروت  
 و مالشان زیاد می شود آثار عتیقه جمع می کنند که خدمتی بعالم صنایع نمایند ولی ایرتہا  
 چون ثروتشان زیاد شود در سر طویل خود صدر اسب نگاه میدارند و بنخدم  
 و چشم می پردازند و بهوی و هوس مشغول میشوند اما نسبت بخدمات امر الله این هر دو  
 بی نتیجه است مثلاً این زحمتهائی که در جمع آوری این اشیاء کشیده اند بیونہا خرج و ضرر  
 کرده اند اگر در سبیل الهی بود الی الا یہ ستاره سعادتشان از افق دو جهان میدرخشد  
 اگر در این شهر سبب تبلیغ ده نفر می شدند تسلسل پیدا مینمود سبب عزت و سرور ابدی  
 می گشت و مایه حیات سرمدی بود انتہی در مرجعیت بهوتل بشارت تکرانی بجامع شرق  
 صادر و ارسال شد پس علاوه از اجبا جمعی از فلاسفه و کشیشها حاضر محضر اظہر گردیدند  
 و از لسان مبارک در وحدت عالم انسانی و اخوت عمومی و بین تعالیم الهی تفصیلی جاری

هر یک با خلوص و مودت تمام مرخص شدند و اجبا اظهار شغف از نفوذ کلمه مبارکه و بجای  
 اقامت طولانی مهمل اگر نمودند فرمودند "مجال کم است نایب بهر جا برویم و فریاد کنیم  
 و رانجا فریادمان رازدیم حال باید بیلا و دیگر شتابیم تا بکلیفور نیارسیم" وقت عصر  
 محفل مجلسی در منزل ستر هر یک بود جمعی از فلاسفه و پروفیسرها و کشیشها و خانهای محترمه  
 مشرف و از خطاب و بیان مبارک در وحدت و اتحاد نوع انسانی دستعداد این  
 قرن نورانی شور و بهجانی عظیم حاصل نمودند و پس از نطق عمومی غلب در محضر انور شرف خصوصی  
 افتخار بستند پس ازان ستر و لسن اتوبیل حاضر نمود و بر حسب وعده به شهر سنت پل که ۵ میل  
 از میناپولیس دور است عازم گردیدند و این مسافت را با نهایت سرعت و سرعت طی فرموده  
 از صفای رود سیسی سیتی، اولها و جنگلها و باغهای سبز و خرمین راه تعریف می فرمودند  
 تا بمنزل دکتور و لسن نزول اجلال فرمودند در اینجا اهل مجلس از نطق و بیان طلعت بحور  
 با شجذب و شور آمدند و در نقص عالم طبیعت و کمال آن تربیت الهی بصیرت و ذوقی  
 تازه یافتند بعد بیرون خانه در خیابان مشی میفرمودند که اطفالی با وقار و ادب  
 بحضور آور آمده از وطن و مقصد مبارک پرسیدند با هر یک اظهار عنایت و صحبت  
 نموده چون مراجعت بنجانه فرمودند اطفال هم اجازه خواسته داخل شدند پس بهر یک  
 و جوی عنایت نموده آنها را نوازش میکردند که طفل کوچک دیگر که در دامن پدرش بود  
 نعتاً بحضور مبارک دوید و عرض نمود من اول شما را دست میدارم بعد پدرم را اما  
 وقت حرکت دو اتوبیل در ب خانه موجود بود اول سوار اتوبیلی شدند که مال چند نفر



از خانهای بستدی بسیار مجذب بود ولی چون دکتور و سن عرض نمود که اتوبیسی را که  
 من برای مرکب مبارک حاضر کرده ام این یکی دیگر است پایاده شده سوار اتوبیسی  
 دیگر شدند و با تمام سرعت بجایی که مخصوص نطق مبارک در دنیا پولیس منزل مستر مال  
 اول شب منعقد رسیدند اما اتوبیسی دیگر نرسید تا بعد از مجلس معلوم شد که در  
 راه شکسته و خانهای محترمه اتوبیسی را تبدیل نموده آخر خود را رسانیدند و در محضر مبارک  
 سر میز بصره شام مفتخر و سرافراز گردیدند روزه شوال (۲۰ سبتمبر) صبح چون  
 موکب آفدس از دنیا پولیس در شرف حرکت بود اجاب و بستدیها پروانه وار طائف  
 حول روی یار بودند و باین بیانات مبارک مخاطب که شما با بیکدیگر خلی محبت داشته باشید  
 دیدن همدیگر نمایید غمخوار گل باشید اگر یک نفر دور از شهر منزل دارد محض ملاقات  
 او بروید فقط بقول قناعت ننمائید بوسایای الهیه عامل باشید هر هفته مجلس نمائید  
 و ضیافتها بنیاد کنید در ترویج معرفت الله و تحصیل کمالات روحانیه بکوشید اینست  
 صفت بهائیان و الاهیاتی بودن بلفظ چه فائده دارد انتهی ساعت ۸ پس از بستن  
 چراغ و بسته های مرسوله بشرق از هتل با شگانه خط آهمن شریف فرما شدند  
 و اجازت دوری لغای پیمان بغایت مخزون و پریشان تا حین حرکت که از دم شتابان  
 قطار راه آهمن خطاب بعضی از جناب می فرمودند که من ابد شما را فراموش نمیکنم همیشه  
 در یاد و خاطر من بستید بجمع باران مهربانی من ابلاغ دارید من بجمع را دوست  
 میدارم و شما نصیحت مینمایم که بفرما هر بان باشید محبت نمائید آنها را دستگیری

کنید زیرا فقر اذل نکسته اند اگر شما با بجهت غنیها جان نثاری نمائید گمان می کنند  
مجبوریت ولی چون بفقرا محبت کنید از صمیم قلب ممنون و خوشنود می شوند  
بهذا رعایت فقرا واجب است در پناه خدا باشید و چون ترن شهر سنت پل  
رسید و کتور و سن برای وداع و رجای تائید بحضور مبارک مشرف و مورد کرامت  
گردید اما در راه امروز و خصوص تبلیغ امر الله در ممالک امریکای فرمودند که بجهت این  
بلاد مبلغ منجذب منقطع و عالم بسیار و جیاست مثل بعضی از مبلغین جانفشان ایران  
باید امر الله در این صفحات تکمیل تمام حاصل نماید و مبلغین پی در پی از شهری بشهر دیگر سفر نمایند  
و ندای الهی را بلند کنند انوقت تائیدات ملکوت ابی احاطه خواهد نمود و قیامتی بر پا  
خواهد شد هنوز آن نحو که من میخواهم تحقق نیافته بسته تائیدات ملکوت ابی است  
و انفاس پاک اجبا خدای وحسد شایه است که اگر نفسی نفس پاکی در حالت انقطاع  
بکشد ولو تا هزار سال باشد تاثیرش ظاهر خواهد شد بعد از نیات و حالات  
و شرح آیام اقامت مبارک در بغداد حکایاتی مفضل نمودند تا عصر بناستی ذکر مستر بدون  
رفس نمودند که من با و نوشتم تو اول کسی بودی از معلمین و مؤلفین اروپا که بساحت  
اقدس مشرف شدی این است بسیار از دست مده ولی اد نفهید وقتی خسران او  
معلوم خواهد شد که در انگلستان انوار هدایت باشد اشراق تباید ساعت ۲  
بعد از نصف شب مرکب مبارک بشهر انا برسید چون خیلی وجود اطر خسته بودند  
بعضی ورود به هتل شام میل نفرموده استراحت نمودند روز ۱۱ اشوال (۱۱ ستمبر)

صبح وقتی که ملازمان حضور از دست طلعت مجبور چای می نوشیدند و حوادث تازه عثمانی بروض مبارک میرسید بعضی از بیانات مبارکه این بود که جنگ خودمان خوبست که جمیع را مغلوب مینماید و قتی که حضرت مسیح را تاج خار بر سر نهادند همان وقت بچشم خود تا جهای ملک را در تحت اقدام خویش میدید آنان من چون نگاه می کنم می بینم جمیع دول و ملل شکست خورده و در بیا بیا بنهار ریخته و پاشیده اند و امر الله غالب و قاهر و همین بر کل است جمیع وقوعات آینده در نظر منظر مقدسه ظاهر و عیانست بعد تفصیل حضرت خندق تا غلبه اسلام بر سائر کسری و قیصر فرمودند که چون منافقینی که اول در دل تکذیب وعده های حضرت می نمودند آن فتوحات را دیدند فریاد بر آوردند خدا ما و عذنا الله ورسوله و چون ترجمه یکی از مقالات انگلیزی در خصوص صلح بسم مبارک رسید فرمودند اگر دول جمهوری امریکا جمعیت می نمودند در مسئله صلح متحد میشدند و جمیع مجفل لای های رجوع می کردند سایر دول اروپا هم پیروی این افکار می نمودند اما از جهت دیگر اگر جنگ عمومی در اروپا واقع شود زودتر صلح بین ملل تحقق یابد و همچنین باید این افکار صلح بین عموم منتشر شود و بعد مالتوان از قرض دادن برای حرب و کمپانیهای راه آهن از حمل و نقل آلات حربیه و افراد شکر از جنگ و خونریزی ابا و استناع نمایند و همچنین حد و معین شود پس از این بیانات و فرمایشات بجهت دو نفر از روزنامه نویس ها شرحی از افکار مضرة سیاستون و مضرات حرب و مساوت تعالیم الهیه در مسئله صلح اکبر و اتحاد ادیان و الفت و وحدت نوع انسان فرمودند و آن اوان در لوجی که

افسوس مظهر بافتخاری کی از اہل مازندران صادر این کلمات مبارکہ نازل ہوئے انوار بہا اللہ  
 چنان بر قطعہ امریکا تابیدہ کہ در ہر شہری جمعی از مومنین موجودند ای یا بھت اللہ سبحانہ  
 و عباد لہا در کنائس عظمی و مجامع کبری لغزہ زمان اثبات حقیقت حضرت رسول و حضرت  
 اعلی و طلوع شمس بہا اللہ می نماید و اکثر جزائر نہایت ستایش می کنند ایرانیان کجا  
 ہستند تا بیینند کہ تیر آفاق از افق کویہ اورنگ طلوع نمونہ حال بر کویہ و صحرائ امریکا  
 تابیدہ با وجود این ہنوز اہل نور در خوابند و نمیدانند کہ چہ موہبتی در حق آن خط  
 و دیار شدہ الی آخر بیانہ الا علی تا ما رفتد ری آب گوشت کہ در مطبخ مخصوص  
 طبخ شدہ بود میل فرمودند ولی خندام حضور حسب الامر در سفرہ خانہ ہوتل غذا خوردند  
 بعد از چای عصر برای دیدن مہتر بر ایان کہ اکنون وزیر امور خارجہ امریکا است و دیدن  
 کسان ایشان عزم مسافرت بلکن نمودہ فرمودند سفر آخر با عرضش وقتی بیجا آمدند کہ ما  
 در عکا در مخاطرات عظیمہ بودیم و اعدا با نہایت عناد ترویج فساد در ایام اخیرہ می نمودند  
 لہذا ملاقات نشدند و حال ما بدیشان میرویم و چون باستگاہ خط آہن تشریف  
 آوردند یکہ قیصہ پیش ترن حرکت کردہ بود لہذا بجمیت قطار دیگر در محطہ توقف فرمودند  
 چند دقیقہ نگذشت کہ شخصی کلاہ و لباس شرقی ما را دیدہ بانجداب تمام پیش آمد و گفت  
 کہ ما جمعی از احباب تلگرافی از مینا پولیس داشتیم و تا حال در جستجوی حضرت عبدالبہا بودیم  
 و فوراً دوید و سایر دوستان را بشہرت دادہ بحضور انور رسانید ولی نہایت  
 شاکر و شادمان بودند از ہنسکہ حرکت مبارک تاخیر افتاد و قطار اول نہ رسیدند

بانها شرحی از حوادث عظیمه در امراتش فرمودند که تا بحال آنچه واقع شده جمیع سبب اعلا  
 امراتش بود مهاجرت جمال مبارک از طهران و حرکت از بغداد بارض مقدسه بقدری سخت بود  
 که اجبا خون از دیده می باریدند حال معلوم میشود که چه حکمتها داشت چه فتوحاتی بود که حتی  
 بشارت کتب مقدسه درباره ارض مقدسه و ظهور موعود بان سبب تکمیل شد همچنین  
 پر و فسری که از بعضی مسائل امریه باخبر بود از شرف بحضور مبارک بسیار سرور و شاکر شد  
 تا ساعت ۱۲ نصف شب که از آنجا حرکت نمودند و بعد از سه ساعت بشهر لنگر نزل حلال  
 فرمودند صبح ۱۱ اشوال (۲۲ بهمن) ذکر عناد دشمنان و قصد سویر جمال مبارک جل ذکره  
 می فرمودند و بیان مبارک بفساد و عناد اهل نقض رسید که شعاع ظلمانی هسته  
 بپدرش نهشته که من در صد و تحمیل پول و متاع دنیوی هستم و درباره فلانی  
 یبغث الله علیه من لایرجمه منظریم تحقق یابد بعد چون دو نفر از صاحبان جلسه مشرف  
 و بانهایت خضوع و محبت بحریبانات مبارک پرداختند از گاه امر تبلیغون و استغناء  
 حال مستر بر ایان و عرضش فرمودند دختر و عرضش در تبلیغون اظهار اشتیاق تشریف  
 و رجای شرفیابی حضور آورده انفس خوردند از اینکه مستر بر ایان خودش در سفر است  
 لهذا در یک اتوبیل بزرگ که ملزمین رکاب هم در حضور مبارک بودند سوار شده و نشاء  
 بعد از خارج از شهر طی نمودند تا بقصر مستر بر ایان که بهترین نقاط آن صفحات بود نزل حلال  
 فرمودند صین ورود خانم محترمه سس بر ایان دیده بانهایت خضوع اظهار مسترت و  
 ممنونیت از عنایات مبارک نمود همچنین دخترش و پس از استماع تعالیم و مسائل